

طرح منسجم ذهنی امیر خسرو دهلوی در مطلع الانوار

فاطمه امامی*

چکیده

امیر خسرو دهلوی یکی از برجسته‌ترین شعرای هند است که آثار خود را به تقلید از نظامی گنجوی سروده است. از آنجایی که نظامی گنجوی یکی از ساختارمندترین شعرای فارسی زبان است، به نظر می‌رسد که امیر خسرو دهلوی نیز در تقلید از آثار او به لزوم ساختار منسجم در آثارش بسیار توجه داشته است. نظام هماهنگ این اثر، هم در شکل و هم در محتوای اثر، حکایت از طرح منسجمی می‌کند که امیر خسرو دهلوی در ذهن داشته است. هدف از این مقاله دستیابی به طرح و ساختار ذهنی امیر خسرو دهلوی در مطلع الانوار است.

کلید واژه‌ها:

امیر خسرو دهلوی، آثار، مطلع الانوار، طرح منسجم

* - گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن - ایران.

Email address: femami@ymail.com

مقدمه

ابوالحسن امیر خسرو دہلوی شاعر و عارف نامدار پارسی زبان ہندوستان در سال ۶۵۱ در یتالی ہند، زادہ شد و بہ سال ۷۲۵ در دہلی درگذشت. امیر خسرو ترک نژاد و ہندی زاد بود و کلمات ترکی و ہندی در شعر او بسیار است. پدرش امیر سیف الدین محمود افسری ترک و از اہالی لاچین در فرا رود بود کہ ہنگام یورش مغولان بہ ہندوستان فرار کرد و در آنجا با زنی اہل دہلی ازدواج کرد و بہ دربار شمس الدین التمش، پادشاہ دہلی راہ یافت. امیر خسرو مانند پدر کہ سمت امیرالامرایی داشت، در دربار بزرگی و سروری یافتہ بود و زمانی در درگاہ جلال الدین فیروز شاہ جای داشت و لقب امیری گرفت.

وی دوران کودکی و نوجوانی را با فراگرفتن زبان و ادب فارسی در دہلی گذراند و پس از چندی در محضر یکی از بزرگترین و مشہورترین مشایخ و عارفان دوران یعنی؛ شیخ نظام الدین محمد بن احمد دہلوی معروف بہ نظام الدین اولیا شاگردی کرد.

نور کہ از خواجہ نظام رسید کار از آن رو بہ نظام رسید

(دہلوی، ۱۹۷۵: ۵۱)

امیر خسرو دہلوی برای پیر و مراد خود احترام فراوان قایل بود و با وجود این کہ دایم در خدمت پادشاہان و فرمانروایان بود، هیچ گاہ از میزان ارادت و توجّہ او نسبت بہ شیخ کاستہ نشد، امیر نیز مانند استاد خود پیرو سلسلہ عرفان چشتیہ بود.

امیر خسرو دہلوی بہ سبب آشنایی با زبانہای فارسی، ترکی، عربی و ہندی اطلاعات نسبتاً خوبی داشت، موسیقی ہندی و ایرانی را بہ خوبی می شناخت؛ اشعار فراوانی در زمینہهای مختلف سرود. شعرش لحن و لطافتی خاصّ دارد؛ کلمات ترکی و ہندی نیز در شعر او دیدہ می شود و می توان سبک وی را طلیعہ "سبک ہندی" بہ شمار آورد.

در تذکرہها دربارهٔ تعداد آثار امیر خسرو روایت‌های اغراق آمیزی نقل کرده‌اند و از قول او نوشته‌اند کہ شمار اشعارش از چہار صد ہزار بیت بیشتر است.

خمسہ اش از خمسہهای تمام مقلدین نظامی نسبتاً بہتر و برتر است و او در اشعارش نظامی را بہ عنوان استادی مسلط بہ فن، ستودہ است. وی نخستین ادامہ دہندہ مکتب ادبی نظامی

گنجوی است، او به نظامی اعتقادی تام داشت و به تقلید و در جواب خمسه نظامی خمسه‌ای سروده است شامل:

۱- مطلع الانوار: بر وزن و شیوه مخزن الاسرار

۲- شیرین و خسرو

۳- آینه سکندری

۴- مجنون و لیلی

۵- هشت بهشت

امیر خسرو در مطلع الانوار یاد آوری می‌کند که هدف او به وجود آوردن پنج اثر است در مقابل پنج گنج نظامی، و این اولین اثر او از پنج اثرش است.

باری از اندیشه گنجینه سنج گشت یکی گنج فراهم ز پنج

گر بود از عمر شمار دگر پنجه رسانم به چهار دگر

(همان: ۳۵۱)

مطلع الانوار یکی از آثار تعلیمی منظوم در ادب فارسی است؛ این اثر نخستین مثنوی از خمسه امیر خسرو است که در مقابل منظومه تعلیمی مخزن الاسرار سروده شده است. امیر خسرو در مقدمه این اثر مانند نظامی به موضوعاتی نظیر ستایش خدا و نعت رسول و مناجات و مدح بزرگان پرداخته است؛ البته این بخش‌ها نیز از مضامین اخلاقی و تعلیمی خالی نیست اما بخش‌های اصلی منظومه که از بیست مقالت تشکیل شده است سرشار از مضامین اخلاقی و عرفانی است. اگر بخواهیم از پیشینه تحقیقات این اثر بگوییم تاکنون درباره مطلع الانوار پژوهش‌هایی انجام گرفته است. ولی بسیار انگشت شمار؛ از جمله، مقاله‌ای از مهین پناهی، با عنوان "اخلاق در مطلع الانوار" است که با بررسی آموزه‌های اخلاقی در این اثر نشان داده است که امیر خسرو در مطلع الانوار با مشرب اخلاق عارفانه به آموزه‌های اخلاق فردی مانند شناخت هدف خلقت آدمی، خودشناسی و همت و... پرداخته است. (پناهی، ۱۳۸۹: ۴۳)

دیگر مقاله‌ای است با عنوان "خطبه قدس"، از همان نویسنده در موضوع عناصر عرفانی و طبقه بندی آن‌ها به مقامات و احوال و تفکیک کار برد حقیقی و مجازی آن‌ها. (پناهی، ۱۳۸۹: ۴۳)

و مقاله دیگر در باره مطلع الانوار مقاله "حکایات تعلیمی و کارکردهای آن در مطلع الانوار امیر خسرو دهلوی" است. (ناصح، ۱۳۹۲: ۱۲)

اما با وجود این پژوهش‌ها، تاکنون درباره ساختار مطلع الانوار امیر خسرو دهلوی پژوهشی انجام نگرفته است؛ لذا این پژوهش در صدد پاسخ گویی به این سؤال است که امیر خسرو در مطلع الانوار چه ساختاری را در نظر داشته است؟ یا به زبانی دیگر ساختار ذهنی امیر خسرو دهلوی در مطلع الانوار چیست؟ از آنجایی که نظامی گنجوی یکی از ساختارمندترین شعرای فارسی زبان است. به نظر می‌رسد که امیر خسرو نیز در تقلید از آثار او به لزوم ساختار منسجم در آثارش بسیار توجه داشته است. نظام هماهنگ این اثر، هم در شکل و هم در محتوا حکایت از طرح منسجمی می‌کند که امیر خسرو در ذهن داشته است.

مطلع الانوار کتابی است کاملاً علمی که با توجه به هندسه ذهنی روش‌مند امیر خسرو سروده شده است. همانطور که گفته شد امیر خسرو در مقدمه مطلع الانوار به موضوعاتی نظیر ستایش خدا و نعت رسول و مناجات و مدح بزرگان پرداخته است. نکته قابل اهمیت این که او در بیتی اثر خود را به دو بخش هفت تایی و نه تایی تقسیم می‌کند و آن را ماه تمام می‌داند.

هفت و نهش کرده چو ماه تمام جلوه کنم در نظر خاص و عام

(دهلوی، ۱۹۷۵: ۵۶)

در این بیت امیر خسرو با دقت تمام به بخش‌های مختلف کتاب خود اشاره می‌کند و اثر خود را به ما معرفی می‌کند و به عبارتی برای کتاب خود فهرستی را ذکر می‌کند که شامل دو بخش است. بخش اول از هفت قسمت و بخش دوم از نه قسمت تشکیل شده که این دو بخش عبارتند از:

بخش اول: بخش مقدمه کتاب است که تشکیل شده از حمد، سه مناجات و سه نعت که روی هم عدد هفت را بوجود می‌آورد.

بخش دوم: بخش اصلی کتاب است که تشکیل شده از مدح مرشد، ثنای سلطان، ثنای ثانی، داعیه ترتیب، سه خلوت، بخش مقالات‌ها و در پایان نیز گفتار در اختتام این مجلد را می‌آورد که عدد نه را می‌سازد.

بخش اوّل:

۱- حمد

۲- مناجات اوّل

۳- مناجات دوم

۴- مناجات سوم

۵- نعت اوّل

نعت ۶- نعت دوم

۷- نعت سوم

بخش دوم:

۱- مدح مرشد

۲- ثنای سلطان

۳- ثنای ثانی

۴- داعیه ترتیب

۵- خلوت اوّل (تعبد)

۶- خلوت دوم (صفت صبا و صباح...)

۷- خلوت سوم (احرام به حریم...)

۸- مقالات ها: بیست مقاله

۹- گفتار در اختتام این مجلد

۱۶=۷+۹ کلّ اثر از ۱۶ بخش تشکیل شده است.

جمع این دو عدد، عدد شانزده را می‌سازد؛ شانزده عدد پیمانانه کامل و تمامیت است. در چاندوگیا اوپانیشاد نیز می‌خوانیم که انسان کامل ۱۶ بخش دارد. به علاوه در زیبایی شناسی هندی قدیمی ۱۶ نشان زیبایی را می‌بینیم و بانوی محبوب ۱۶ تکه گوناگون جواهرات دارد.

در هندوستان عدد ۱۶ از زمان‌های دور بسیار محبوب بوده است. ظاهراً تمدن ایندوس در هزاره سوم یا چهارم قبل از میلاد اهمیت فراوانی برای ۱۶ قائل بوده اند و تا چندی پیش روپیه به ۱۶ آنه تقسیم می‌شد و درودها آوازهای شانزده گانه‌ای را می‌بینیم، شاید ادبیات عربی قدیم ۱۶ را به عنوان نشان کمال در عروض از هندی اقتباس کرده باشد؛ زیرا برخی از وزن‌های شعر عربی ظاهراً فقط برای رسیدن به عدد کامل ۱۶، این الگو را اجرا می‌کنند.

همه کسانی که شیفته ترکیب و ضرب ۴ عنصر و کلا ۴ به عنوان عدد نظم زمان و مکان بوده‌اند، عدد ۱۶ یعنی مجذور ۴ را به کار برده‌اند تا کمال را بیان کنند. (شیمل، ۱۳۸۰: ۲۳۹-۲۴۰) امیر خسرو اثر خود را از کمال به ماه تمام تشبیه می‌کند و یکی از دلایلی که حکایت از هندسه ذہنی امیر خسرو و ساختارمند بودن مطلع الانوار او می‌کند موضوع کمال این اثر است که امیر خسرو برای نشان دادن این کمال به دو عدد هفت و نه اشاره کرده که این دو عدد در اندیشه باستانی نشانه رشد و تحول و کمال است.

توجه به عدد هفت و نه

«هفت عدد آفرینش است، در اندیشه باستانی رشد و تحول انسان‌ها در دوره‌های ۷ و ۹ رخ می‌دهد. چنین اندیشه‌هایی در تمام غرب رواج یافت و در قرن هفدهم سرتامس براون نوشت که هر هفت سال تغییری در زندگی، در وضعیت بدن یا ذهن و گاه حتی در هر دو رخ می‌دهد. اما یک نکته اهمیت ویژه‌ای دارد. یعنی (۶۳=۷در ۹) سال شصت و سوم زندگی، پختگی کامل است.» (شیمل، ۱۳۸۹: ۱۸۴)

جمع عدد هفت و نه هم می‌شود شانزده که در آغاز مقاله فهرست مطالب کتاب نیز شانزده مورد است. «در برخی تمدن‌ها ۹ را با اهل قمر مرتبط می‌دانستند.» (همان: ۱۸۱) امیر خسرو نیز معمولاً این عدد را به همراه ماه تمام می‌آورد. توجه به این نکات در مورد عدد هفت و نه و رابطه بین این دو عدد در جمع و تضریب هر چه باشد حکایت از توجه و آگاهی امیر خسرو از این دو عدد و رابطه آن با کمال می‌نماید. وی مطلع الانوار را تنها در دو هفته به اتمام رسانده، یعنی؛ ۴ روز و بار دیگر اثر را به ماه کامل تشبیه می‌کند.

از اثر اختر گردون خرام شد به دو هفت این مه کامل تمام

بنابر این به نظرمی رسد که اثر دارای یک ساختار استثنایی است و در این اثر سمبولیسم عددی را نیز می‌توان دید. پرسش از سمبولیت عددی ما را به یاد بسیاری از آثار، فرا می‌خواند. که عدد در آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. این آثار معمولاً دارای چهار سطح معنایی هستند که پایین‌ترین آن سطح ظاهری و بالاترین آن سطح تمثیلی است؛ هر چند نمادهای عددی روشن نیز در ارتباط با سطح بیرونی کتاب وجود دارد.

نشانه‌های عددی کتاب مطلع الانوار و ساختار آن که در آغاز مقاله مشاهده شد، توجه امیر خسرو را به اعداد نشان می‌دهد و ساختار کتاب بازتابی از اهمیت اعداد است که سمبولیسم ریاضی باطنی کتاب تنها سطح تمثیلی آن را آشکار می‌کند. در مطلع الانوار ساختار بیرونی اثر، سمبولیسم عددی مشخصی را آشکار نمی‌کند؛ لیکن همانند آثار مشابه دیگر و رسم آن روزگار این اثر نیز سمبولیسم عددی خویش را در سطح تفسیر باطنی آشکار می‌سازد.

هدفمندی

سومین دلیل روشمند بودن مطلع الانوار، هدف مند بودن این منظومه است؛ چنان که امیر خسرو یاد آوری می‌کند که هدف او به وجود آوردن پنج اثر است.

باری از اندیشه گنجینه سنج گشت یکی گنج فراهم ز پنج
گر بود از عمر شمار دگر پنجه رسانم به چهار دگر

از اهداف مهم دیگر امیر خسرو این است که او می‌خواهد پنج کلید برای باز کردن قفل پنج گنج نظامی بسازد.

سازم از آن سان به سرای سپنج پنج کلید از پی آن پنج گنج
کانچ به هر گنج بود ناپدید فتح شود هم ز زبان کلید

(دهلوی، ۱۹۷۲: ۵۲)

وی در بخش داعیه ترتیب اثر اهداف خود را با یک تقسیم بندی دقیق و حساب شده در ساختاری منظم ارایه می کند، که با علمی ترین مقاله های دوران معاصر برابری می کند و حتی از بسیاری از آن ها دقیق تر و علمی تر تألیف شده است.

دهلوی اثر خود را جریده پر حکمت می داند؛ آن چنان که غلغله در گوش نظامی می افکند، روش خود را روشی متفاوت می داند که از اندیشه دور است و در بیتی سال دقیق سرودن کتاب یعنی سال ۶۹۸ را ذکر می کند.

سالی که از چرخ کهن گشت بود از پس ششصد نود و هشت بود

مایه این اثر را الهام می داند و یاد می کند که الهام وحی خفی است و اگر چه معجزه نیست می تواند کرامات باشد.

مایه من زین قلم نامی است	مایه نه کسیست که الهامی است
مایه که اندیشه درو گم بود	کی حد تعلیم و تعلم بود
و آنچه ز الهام برآید ز جیب	عیب کسی کن که برو کرد عیب
آن که به مردم شرف عام داد	وحی خفی را لقب الهام داد
و آن چه کندها دل سخن بار بست	معجزه گر نیست کرامات هست

(همان: ۵۵)

او معتقد است مایه این اثر الهام است و همان طور که می دانیم از ویژگی های نهضت ادبی رمانتیسیم الهام است. در فرهنگ کلاسیک، برخلاف اصالت، الهام اهمیت شایانی دارد؛ لیکن این اهمیت بیشتر به خاطر افشای حقیقت بوده است تا اخذ یک نتیجه ادبی موافق اصول زیبایی شناختی، در واقع به سبب ارزش والای الهام، به ویژه معنوی و ملکوتی بودن آن، احتمال داشته مدعیان الهام به جای تشویق و تمجید ادبی، به اتهام کفر و الحاد محاکمه شوند. تصور رمانتیک از الهام ذهنی انسان چندان مورد پذیرش فرهنگ های کلاسیک نبوده، زیرا الهام را یک امر معنوی مهم می پنداشتند نه یک موضوع فردی، افزون بر این، در آثاری که هدف از خلق آن ها گفت و گو میان واقعیت و حقیقت بوده ذهنیت فردی عنصر ادبی قابل توجهی به شمار نمی آمده است.

آیا امیر خسرو پیشرو در تفکرات مکتب رومانسیسم است؟

از اهداف بسیار مهمّ او در سرودن این کتاب این است که:

گنج حقیقت به میان آورم	شرع و طریقت به بیان آورم
عبره این هر سه ولایت کجاست	باز نمایم که هدایت کجاست
جهد ز من موهبت از کردگار	من کنمت راهنمونی به کار

او می‌خواهد شرع، طریقت و گنج حقیقت را بیان کند و مسافران خود را هدایت و راهنمونی کند. یکی دیگر از اهداف او از سرودن این منظومه، مایه‌های تعلیمی اثر است. امیر خسرو در این بخش از مایه‌های اندیشه سخن می‌گوید که اثر را در حدّ تعلیم و تعلّم می‌کند. چنان که در بیت زیر می‌گوید:

مایه که اندیشه در او گم بود	کی حدّ تعلیم و تعلّم بود
-----------------------------	--------------------------

(دهلوی، ۱۹۷۵: ۵۵)

او معتقد است پند و اندرز هر چند داروی تلخ است اما جان بخش است. لیک بر این باور است که تلخی پند را با گفتار شیرین می‌توان دلپذیر ساخت:

آن که دلش تنگ نیاید ز پند	داروی تلخش دهم و سودمند
---------------------------	-------------------------

(همان: ۷۳)

... آن که نصیحت نه سزا بینیش	تلخ مگو جز که به شیرینیش
... پند که تلخ است به برنا و پیر	گفتن شیرین کندش دلپذیر

(همان: ۷۹، ۷۸)

او در اثرش راهنمای ماست و حکمت پوشیده را بر ما آشکار می‌کند، اثر خود را امان نامه روز حساب می‌نامد؛ اطمینان می‌دهد که هر که در این مامن برود قطعاً نجات می‌یابد حتی تأکید می‌کند اگر نجات نیافت به عهده من، و در پایان او وارد خمکده دین می‌شود و هنگامی که پایش سست می‌شود، تکیه بر دیوار توکل می‌کند.

مطلع الانوار امیر خسرو سرشار از رمز و حکمت‌های پوشیده است و هشدار و اطلاع رسانی او در این مورد دلیل دیگری است بر روش مند بودن اثر. باز در طول کتاب به ابیاتی

می‌رسیم که حاکی از نظم فکری و ساختار دقیق امیر خسرو است. به طور مثال او در اختتام کتاب در بیتی از ما می‌خواهد که در خواندن کتابش دقت زیادی داشته باشیم تا به رموز آن دست یابیم.

هست به هر نکته دقایق بسی تاش نبیزد شناسد کسی

(همان: ۴۳۵)

او از ما می‌خواهد تا متن کتاب را غربال کنیم تا از میان متن غربال شده به رموز اثر برسیم.

ز انبھی رمز ترو گوهرین جای نه کانگشت نهد کس درین

(همان: ۴۳۵)

نکته دیگر در روش مند بودن اثر او آن است که او نگران بر هم خوردن این نظم و ترتیب دقیق است. اصرار و تاکید و وسواس شاعر در محفوظ ماندن اثرش از هر گونه خطا و تحریف و بی‌دقتی کاتبان، حکایت از ساختاری می‌نماید که هر گونه بی‌دقتی و تحریفی می‌تواند آن را به هم بریزد. او اثرش را بتی می‌داند که از زیر میغ هم جلوه‌گری می‌کند و این جلوه‌گری را از هیچ دیده‌ای دریغ نمی‌کند جز سه ستم پیشه که محرم نیستند، و آن سه ستم پیشه را به ما معرفی می‌کند.

۱- غزل خوان خام

۲- کاتبان ناقص کار

۳- عیب جویان

بیشترین نگرانی امیر خسرو محفوظ ماندن اثرش است از دست برد زمانه و این سه گروه هم به دلیل بی‌دقتی باعث کاستی در اثر او می‌شوند. هم چنان که نگارنده نیز به چند نکته از بی‌دقتی‌ها دست یافته است که متعاقباً ذکر خواهد شد.

کو روش نظم نداند تمام

گاه سر نظم برد گاه پای

وز پدرش نعره برآید بلند

هست بتر کاتب ناقص نگار

کور شده عین معانی از او

زان سه یکی هست غزل خوان خام

تیغ زبانرا شده کار آزمای

این تن فرزند برد بند بند

باز ز خواننده بد گاه کار

...خامه چو تیری به روانی از او

هر سخنی کان به خطش کرده جای
گمشده زان تیر گیش دست و پای
(دهلوی ۱۹۷۵: ۳۴۶)

... زین دومی مخالف چو روی بیشتر
سوم از این هر دو ستم کیش تر
آن که کند چشم وقاحت فراخ
سایه انصاف نبیند ز شاخ
... گر چه دقایق نگرد بی نظیر
نیز کشد خرده چو موی از خمیر
(همان: ۳۴۷)

تعداد ابیات مطلع الانوار

راه حل دیگری که برای مصون ماندن اثر از تحریف و بی‌دقتی کاتبان و در نتیجه از دست رفتن ساختار این منظومه می‌اندیشد اینکه با دقت و وسواس به ذکر ساختار عددی اثر می‌پردازد به این ترتیب که در این ابیات تعداد دقیق ابیات مطلع الانوار را ذکر می‌کند.

۱- تعداد ابیات بیست مقاله با حکایت آن

بیست خزینه ست درو پر ز گنج
بیست خزینه ز صد و بیست و پنج
(همان: ۳۵۲)

منظور امیر خسرو از بیست خزینه پر ز گنج، بیست مقاله اوست که به دنبال هر مقاله یک حکایت کوتاه آورده است. بعد از شمارش دقیق تک تک ابیات بیست مقاله با حکایت آن نگارنده به عدد صد و بیست و پنج دست یافت که عدد مورد نظر امیر خسرو است. برای روشن شدن دقیق این بخش به فهرست زیر توجه بفرمایید.

ردیف	مقاله‌ها	تعداد ابیات مقاله‌ها	تعداد ابیات حکایت‌ها	جمع ابیات
۱	مقاله اول (در علو درجت آدمیت...)	۱۰۸	۱۷	۱۲۵
۲	مقاله دوم (در استظلال از مظله علم...)	۱۱۴	۱۱	۱۲۵
۳	مقاله سوم (در کمال کلام...)	۱۱۶	۹	۱۲۵
۴	مقاله چهارم (در ابنیه خمسه مسلمانی...)	۱۱۲	۱۳	۱۲۵
۵	مقاله پنجم (در تقویت تقوی...)	۱۱۴	۱۱	۱۲۵
۶	مقاله ششم (در شکر صوفیان صافی هوش...)	۱۰۵	۲۰	۱۲۵

۱۲۵	۱۹	۱۰۶	مقاله هفتم (در انوار نفس خورسند...)	۷
۱۲۵	۱۲	۱۱۳	مقاله هشتم (در بلندی پایه عشق...)	۸
۱۲۳	۱۴	۱۰۹	مقاله نهم (در مرافقت رفقا و معاندت قربا...)	۹
۱۲۵	۱۹	۱۰۶	مقاله دهم (در حرمت ذوی الارحام...)	۱۰
۱۲۴	۲۱	۱۰۳	مقاله یازدهم (در مفتاح فیض امثال از مال...)	۱۱
۱۲۵	۲۰	۱۰۵	مقاله دوازدهم (در منزلت شهیدان...)	۱۲
۱۲۵	۳۰	۹۵	مقاله سیزدهم (در اندرز شاهان...)	۱۳
۱۲۵	۱۰	۱۱۵	مقاله چهاردهم (در تحسین دیانت و...)	۱۴
۱۲۵	۱۲	۱۱۳	مقاله پانزدهم (در منزلت عشق...)	۱۵
۱۲۵	۱۴	۱۱۱	مقاله شانزدهم (در سیر ستوده انسان...)	۱۶
۱۲۳	۲۲	۱۰۱	مقاله هفدهم (در غنیمت داشتن شب شباب...)	۱۷
۱۲۵	۱۰	۱۱۵	مقاله هیجدهم (در دوا و راه نجات...)	۱۸
۱۲۵	۲۹	۹۶	مقاله نوزدهم (در شکایت گردون دون...)	۱۹
۱۲۵	۱۶	۱۰۹	مقاله بیستم (در نصیحت فرزند مستوره...)	۲۰

نگارنده در بررسی این بیست مقاله و حکایت های مربوط به آن، متوجه برخی از بی دقتی های کاتبان شد که امیر خسرو نگران آن بود، در بررسی ساختار عددی این مقالات با حکایت مربوط به آن ها مواری یافت شد که چند بیت با عدد ۱۲۵ اختلاف داشت. از جمله :

۱ - مقاله نهم ۱۲۳ بیت دو بیت کم دارد.

۲ - مقاله یازدهم ۱۲۴ بیت یک بیت کم دارد.

۳ - مقاله هفدهم ۱۲۳ بیت دو بیت کم دارد.

در کل هفت بیت از عددی که خود امیر خسرو آورده کم است.

مورد دیگری که حکایت از ساختارمند بودن اثر می کند آن است که او در بیتی تعداد کل

ابیات منظومه را بیان می کند:

ور همه بیت آوری اندر شمار سیصد و ده بر شمر و سه هزار

(دهلوی ۱۹۷۵: ۳۵۲)

به عبارتی بر مبنای آنچه خود او گفته مثنوی مطلع الانوار می‌بایست دارای سه هزار و سیصد و ده بیت باشد. مطلع الانوار دارای سه بخش است:

- ۱- بخش آغازی ۷۱۵ بیت
- ۲- بخش میانی (مقاله‌ها + حکایت‌ها) ۲۵۰۰ بیت
- ۳- بخش پایانی ۹۶ بیت

که روی هم عدد ۳۳۱۲ بیت است که دو بیت بیشتر از عددی است که امیر خسرو ذکر کرده است بعلاوه آن هفت بیتی که در بخش میانی کم داشتیم. (۳۳۱۲-۷=۳۳۰۵) تعداد ابیات نسخه‌ای است که در دست ماست.

می‌بینیم که این عدد فقط پنج بیت با عددی که خود امیر بیان کرده است اختلاف دارد یعنی عدد ۳۳۱۰

البته نباید فراموش کرد که ۷ بیت از ابیات مقالات نیز در نسخه ما کم است. یعنی مقاله نهم ۱۲۳ بیت (دو بیت کم) مقاله یازدهم ۱۲۴ بیت (یک بیت کم) مقاله هفدهم ۱۲۳ بیت (دو بیت کم) دارد. در بخش اصلی نیز یک بیت اضافه دارد. این همان درد امیر خسرو است که می‌خواسته اثرش را از حوادث و مشکلات احتمالی حفظ کند.

موضوع مقالات

امیر خسرو در این بیست و یک مقاله به موضوعات اخلاقی زیر پرداخته است: علو درجات آدمیت، ستایش علم و دوری از جهل، فضل آدمیان در داشتن نطق، توحید و اصول دیگر، در شرایعی چون نماز، روزه، زکات و حج، تقوا و تطهیر نفس، صوفی و ویژگی‌های یک صوفی خوب، ستایش خرسندی و ترک امل، ستایش عشق، در ادب و فاداری، حرمت خویشان، ستایش سخا و از خود گذشتگی، درغزا و نیت الهی جهادگر، شاهان، رعایت بی‌پناهان، دینداری و پاکی مال گرد کرده از حرام، ملامت موزیان و ستایش کم آزاری، در نکو خویی، درغنیمت شمردن وقت، در شکایت گردون دون، در نهایت شاعر با نصیحت فرزند خویش، مستوره، سخن را به پایان می‌رساند.

یکی دیگر از ویژگی‌های منظومه‌های تعلیمی، استفاده از حکایات تمثیلی است. امیر خسرو نیز در این اثر تعلیمی - عرفانی در بیان اندیشه‌های اخلاقی خویش از این شیوه بهره برده است. چنان که او با انتخاب شیوه حکایت‌های تمثیلی، به تفهیم اندیشه‌های عرفانی و نیز بیان نکات اخلاقی پرداخته است و با طرح حکایات تمثیلی در پایان هر مبحث از خشکی مطالب شرعی و اخلاقی - عرفانی کاسته، به این موضوعات جذابیت بخشیده است. امیر خسرو دہلوی در این شیوه، به استاد خویش نظامی و نیز سنت پیشینیان نظر داشته است. البته در ادبیات عرفانی نیز از آغاز، در متون نظم و در آثار مثنوی با حکایاتی روبرو می‌شویم که در موضوعات متنوعی بیان شده‌اند. بی‌شک همه این حکایت‌ها در آثار مختلف عرفانی و مذهبی با هدف و کارکردهای معینی به کار گرفته شده‌اند و تنها جنبه سرگرمی را نمی‌توان برای آن‌ها قائل شد.

هر یک از آفریدگان این آثار با توجه به مشرب‌های فکری خویش، منابع ارزشمند و گنجینه‌های حکایت‌های تاریخی، عرفانی و مذهبی را در آثار خویش به کار برده‌اند و از آنجا که «یکی از ارکان استوار جاودانگی یک اثر در مشرق زمین همواره تأکید اصول و آموزه‌های پند گونه و اخلاقی است.» (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۵۵) این آثار بدین گونه با تأکید بر آموزه‌های اخلاقی و عرفانی ماندگار گشته‌اند.

امیر خسرو دہلوی نیز در بیست مقاله از منظومه مطلع الانوار از بیست حکایت استفاده کرده است. از مجموع این بیست حکایت هشت نمونه از آن در موضوع مسائل عرفانی است و امیر خسرو در آن‌ها بیش‌تر شخصیت‌های عرفانی چون ادهم و شبلی را مطرح می‌کند و یا شخصیت مذهبی حضرت موسی (ع) که داستان تقاضای دیدار از خدا را به سبب زمینه اخلاقی که در آن وجود داشته، در مفهومی عرفانی به کار گرفته است. امیر خسرو در پنج حکایت دیگر از شخصیت‌های عامی چون حاجی، برهن، عابد، گلخن تاب، پیر وفادار و دیگران استفاده کرده است. دوازده حکایت دیگر مطلع‌الانوار از موضوعات اخلاقی و اجتماعی برخوردار است. شخصیت‌ها در این بخش از حکایت‌ها نیز در برگیرنده اشخاصی مذهبی چون حضرت علی (ع) و عیسی مسیح (ع) است و در مابقی حکایت‌ها، اشخاصی نظیر پادشاه، فقیه، زن پارسا، شیر فروش، جوان مرد، پیر، جوان و... به طور عام به کار رفته است. در دو مورد نیز امیر خسرو از

حیواناتی نظیر؛ روباه و زاغ در حکایت‌های خویش استفاده کرده است. امیر خسرو با توجه به آشنایی به متون نظم و نثر صوفیه و با آگاهی از هدف به کارگیری حکایت در اثر خویش، بیش‌تر شخصیت‌ها را به طور عامّ به کار برده است و اگر در مواردی از شخصیت‌هایی مانند شبلی و ابراهیم ادهم استفاده می‌کند به این دلیل است که شاعر به کار کرد عبرت و آموزش در این گونه حکایت‌ها نظر داشته است. اما در حکایت زن پارسا با وجود آن که پادشاه شهوت ران در تاریخ نامی مشخص دارد از ذکر نام خود داری می‌کند؛ چرا که در حکایت بیان تاریخ اهمیتی ندارد.

حکایت‌ها

- ۱- حکایت موسی کلیم که های همت او نخواست که جز باهای هویت دو چشم چهار کند.
- ۲- حکایت مشعله پادشاه که مشکلات عالم را بزبان روشن کرد و رقم عالم جائزه حساب او گشت.
- ۳- حکایت عنان داری ادهم از جولان بیهوده.
- ۴- حکایت حاجی که در راه حج صرفه نعلین کرد و برهمنی که از پوست خود نعلین راه بت ساخت.
- ۵- حکایت عابدی که از جمله مزد طاعت بدیدن خدای بسنده کرد علیه عین الله.
- ۶- حکایت درویش که طلب بیان ترک شبلی کرد.
- ۷- حکایت پیر گران سنگ کوهساری که از نبات خشک حلوی خرسندی خود ساخت.
- ۸- حکایت گلخن تاب که پیش آفتاب جبهه معشوق از گرمی مهر سوخته شد.
- ۹- حکایت پیر وفادار که دامن صحبت با خار دوخت و از زخم زبان او سر سوزنی گله نکرد.
- ۱۰- حکایت مرد برادر کش که قصد خون برادر خود کرد و گردن به تیغ داد تا گردنش زدند...
- ۱۱- حکایت جوانمردان تشنه که شربت آب زندگانی را فدای یکدیگر کردند و خود با خشک جانی ...
- ۱۲- حکایت آن گبر سگ که آب دهن بسوی شیر خدا انداخت و از خشم حیدر کرار کرم الله وجهه ...
- ۱۳- حکایت خطا کردن پادشاه بتیر بی خطا.
- ۱۴- حکایت آب ریختگی شیر فروش و آب بردگی رمه وی.
- ۱۵- حکایت درد چشم زاغ کحلی پوش و برگ علاج او از درخت و راز خود گفتن با مرغ دیگر و...
- ۱۶- حکایت دم زندگانی بخش عیسی روح الله علیه السلام.

- ۱۷- حکایت پیر صاحب نظر و جوان تعبیه گر.
- ۱۸- حکایت جوینده شب قدر که سالها دیده را از خواب شب تار دوخته بود و چون نعمت آن شبش رسید ...
- ۱۹- حکایت صیاد پوستین پوش که در پوست دو روباه افتاد و عاقبت پوستین شان کرد.
- ۲۰- حکایت زن پارسا که از نظر پادشاه چشم زخمش رسید و دو چشم جهان بین خود را فدای پارسایی ... یکی دیگر از مواردی که نشان از توجه امیر خسرو دہلوی به اعداد دارد این که امیر خسرو در این اثر ۳۰ مرتبه در پایان مباحث نام خود را می آورد. ۲۱ مرتبه در پایان ۲۰ حکایت هر مقاله (در پایان یک حکایت دو مرتبه نام خود را می آورد) و ۹ مرتبه نیز در بخش آغازین کتاب.
- «عدد سی به نظم و عدالت مربوط می شود و طبق کتاب مقدس، موسی و عیسی دعوت آشکار خود را در این سن آغاز کردند.» (شیمل، ۱۳۸۰: ۲۶۳)

نوبت خسرو که پسیجش نواست	سنج زن نوبت آن خسرواست
خسرو مسکین ز دل مستمند	طرح به تسلیم رضایت فکند
ای شده مست از کرمت بی کسان	بویی از آن باد به خسرو رسان
من که به جان تشنه جوی توام	خسروم اما سگ کوی توام
چون دهی از نور مرادش نشان	پرتو آن بر دل خسرو فشان
جوهر توزبده چرخ کبود	خسرو مسکینت چه آرد ستود
پرتو خسرو به هوا شد ز پست	صبح به دریوزه بر آورد دست
ور نتوان بست گره بر نفس	محرم خسرو دل خواجه است و بس
خسرو از آن بهره که دارد ز پیر	مهر نگهبانی خود بر مگیر
همّت خسرو چه برد زین نفس	کز همه عالم کم ازو نیست کس
ای سخن از کوفی و شیبانیت	چند درخسروی خانیت
خسرو امان در امرا نیست خیز	سوی فقیهان خدایی گریز
خسرو از ایوان درگشت روز	تا کیت این هرزه درایی هنوز
خسرو من کوش به تیر ثواب	تات شود ترک خدایی خطاب

طاعت یزدان کن بسیار کن
 دست چو خسرو ز گدایی بدار
 تات چو خسرو ندواند نیاز
 لاف چو خسرو مزن از عشق یار
 تات شود ترک وفا پیشه نام
 قطع رحم را رحم الله مگوی
 چند چو خسرو صفت دیگران
 دید بسی خسرو اگر این نکرد
 تا کنی آوازه چو خسرو بلند
 زین دل خائن به دیانت گرای
 چند به آزار و خصومت روی
 رو که تویی عیسی آخر زمان
 تات چو خسرو کند ایام پیر
 این نفسی چند به جان زنده دار
 پای ببوسیش چو خسرو بسی
 باش برین گونه به عصمت صبور
 عرصه هر بیت جهان در جهان

خسرو اگر دین طلبی کار کن
 پای چو در فقر نهی زینهار
 خیز دلا برگ قناعت بساز
 ای که بمیری زتف یک شرار
 خسرو من سوی وفا کن خرام
 خسرو از اهل رحم ابرام جوی
 ای که نداری روش آن سران
 مرد غزا جز زپی دین نکرد
 رابطه خسروی از داد بند
 خسرو اگر دین طلبی از خدای
 کوش که خسرو به حکومت روی
 خسرو اگر خوشدمی از همدمان
 خدمت پیران به جوانی پذیر
 خسرو اگر زنده دلی زینهار
 گر نگری بوی وفا در کسی
 ای که توئی دیده خسرو به نور
 در ته هر بیت جهانی نهان

شاید بهتر باشد در پایان نیز بیتی زیبا از امیر خسرو دهلوی را به عنوان حسن ختام بیاوریم که در آن نیز می خواهد به ما یاد آوری کند که با دقت بیشتری به ابیات اثر توجه کنیم و در هر بیت آن در جستجوی جهانی باشیم و بدانیم که در هر بیت آن به یک جهان دست خواهیم یافت.

در ته هر بیت جهانی نهان عرصه هر بیت جهان در جهان

نتیجه گیری

- از بررسی ساختار کتاب مطلع الانوار به نتایج والگوهایی دست می‌یابیم که شاید هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفته است.
- مطلع الانوار کتابی است کاملاً علمی که با توجه به هندسه ذهنی روش مند امیر خسرو دهلوی سروده شده است.
- کتاب به گفته خود امیر خسرو دهلوی از دو بخش هفت تایی و نه تایی تشکیل شده است. در واقع او در آغاز کتاب فهرست مطالب کتاب خود را می‌آورد، او در طول اثر به دو عدد ۷ و ۹ می‌پردازد که هر دو عدد کمال است و او اثر را کامل می‌داند و آن را ماه تمام می‌نامد.
- امیر خسرو دهلوی در متن کتاب به هدف از آفرینش کتاب اشاره می‌کند. هدف او از آفرینش این اثر فراهم آوردن پنج گنج است که اولین آن‌ها مطلع الانوار است. و این پنج گنج را کلیدی برای باز کردن قفل در پنج گنج حکیم نظامی گنجوی می‌داند.
- اثر خود را الهام می‌داند که برابر با وحی خفی است.
- اثر را انبوهی از رمز و راز می‌داند که باید با دقت خوانده شود تا شناخته شود.
- امیر خسرو دهلوی در کتاب از سه گروه ستم پیشه که باعث نقصان آثار از جمله اثر او می‌شوند گله می‌کند.
- تعداد ابیات مقالات را به همراه حکایت آن، بیست خزینه صد و بیست و پنج بیتی ذکر می‌کند.
- کلّ ابیات کتابش سیصد و ده بیت است که با شمارش دقیق نسخه هفت بیت در بخش مقالات کم بود و پنج بیت در بخش آغازین و پایان آن اضافه بود. بنابراین این می‌توان نتیجه گرفت نسخه اعتبار لازم را ندارد.
- او در اثرش سی مرتبه نام خود را می‌آورد که شاید در آوردن نام خود نیز رمزی نهفته است. به نظر نگارنده بی‌ارتباط با کامل بودن مقاله و ماه تمام نامیدن آن نیست. یک ماه سی‌روز است.

- در بیتی از عدد صد و بیست و پنج صحبت می کند که با دقت و بررسی معلوم شد که منظور او از این عدد جمع ابیات هر مقاله همراه با حکایت آن است.
- در طول مقالات در ضمن حکایت ها به موضوعات شرعی و اخلاقی - عرفانی پرداخته است.
- در پایان هر حکایت چند بیت در نتیجه گیری موضوع آورده شده است که این بخش ها حاوی نکات تعلیمی ارزشمندی است
- در پایان مقالات به حکایت و موضوع داستان آن اشاره می کند.

فہرست منابع و مآخذ

- ۱- دہلوی امیر خسرو، (۱۹۷۵)، *مطلع الانوار*، ادارہ انتشارات دانش شعبہ ادبیات خاور مسکو.
- ۲- _____، (۱۲۶۱)، *دیوان کامل*، سعید نفیسی، چاپ دوم، سازمان انتشارات جاویدان.
- ۳- پناہی، مہین، (پائیز ۱۳۸۹)، *اخلاق در مطلع الانوار*، پژوهش نامہ ادبیات تعلیمی، دورہ ۲، شماره ۷، صفحہ ۴۳-۶۲.
- ۴- _____، (تابستان ۱۳۸۹)، *خطبہ قدس (عرفان امیر خسرو دہلوی در مطلع الانوار)* فصل نامہ مطالعات شبہ قارہ، مقالہ ۳، دورہ ۲، از صفحہ ۵۱-۷۲.
- ۵- صفوی سید سلمان، (۱۳۸۸)، *ساختار معنایی مثنوی معنوی*، ترجمہ، مہوش السادات علوی، مرکز میراث نشر مکتوب، چاپ اول.
- ۶- شیمل آنہ ماری، (۱۳۸۸)، *راز اعداد*، ترجمہ فاطمہ توفیقی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاہ ادیان و مذاہب.
- ۷- ناصح، محمد مہدی، (بہار ۱۳۹۲)، *حکایات تعلیمی و کار کرد های آن در مطلع الانوار امیر خسرو دہلوی*، پژوهش نامہ ادبیات تعلیمی، دورہ ۵، شماره ۱۷، از صفحہ ۲۷-۵۰.
- ۸- یلمہ ہا، احمد رضا، (پائیز ۱۳۹۰)، *آموزہ های تعلیمی در منظومہ غنایی و محب و محبوب*، فصل نامہ تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، مقالہ ۱، دورہ ۳، شماره ۹.